



«شهادت» تزییق خون در پیکر اجتماع است

- ✽ واژه شهید
- ✽ منطق شهید
- ✽ خون شهید
- ✽ تربت شهید

«شهید» جامعه خود را از عوارض کم خونی رهایی می بخشد.

واژه شهید

در میان معانی و مفاهیم اسلامی؛ کلمه «شهید» دارای يك قداست ویژه است؛ که اسلام برای آن قائل شده است و اگر کسی باینش اسلامی؛ کلمه «شهید» را تلقی کند؛ می بیند که دور این کلمه راه‌های از نور فرا گرفته است .

کسی که شهید می گردد و اسلام او را «شهید» می شناسد؛ به یکی از عالیترین مراتب و درجاتی میرسد؛ که اسلام برای بشر در نظر گرفته است .
قرآن مجید در مورد «شهداء» با برداشت خاص بحث میکند ؛ و آنها را بطور قاطع «زنده» نامیده و میفرماید:

«گمان مبر آنانکه در راه خدا «شهید»

شده اند، آنها مرده هستند، آنها زندگانی هستند در نزد پروردگارشان، و در آنجا به نعمتهای پروردگار، متنعم هستند» (۱)
در اسلام وقتی میخواهند مقامی را خیلی بسالابیرند؛ میگویند: مقام این؛ مقام شهید است .

چون مقام شهید در اسلام محرز است ؛ و اگر بخواهند بگویند که کسی مقامش خیلی بالاست ؛ میگویند: مقام این؛ با مقام شهید برابر است .

مثلا درباره «تحصیل علم» هنگامیکه انگیزه دانشجو از جستجوی علم؛ کشف حقیقت باشد؛ و علم را وسیله منافع و مطامع شهوانی قرار ندهد؛ میگویند: اگر کسی طالب علم باشد و در حالیکه در جستجوی علم است از دنیا برود؛ مانند يك شهید از دنیا رفته

است .

هر فردی لیاقت اینکه مجاهد در راه خدا باشد، و به درجه رفیعة شهادت نائل شود ، ندارد . فقط افراد خاصی این لیاقت را دارند که مجاهد در راه خدا باشند و این در بهشتی به روی آنها باز می شود .

آنها چه کسانی هستند ؟

— آنها اولیاء خاص خدا هستند .

آیا میدانید که چرا بهشت ، هشت در دارد ؟ آیا برای اینست که ازدحام نشود ؟ آنجا که از این تراجمها خبری نیست . بلکه برای اینست که بهشت هم طبقاتی دارد و هر دری متناسب با طبقه ای از طبقات مردم است . درست است افراد زیادی به بهشت میروند ، اما میان يك انسان بهشتی تادیگر انسان بهشتی، تفاوت از زمین تا آسمان است . البته آنجا از این اختلافتهای ظالمانه طبقاتی خبری نیست بلکه تفاوتهای آنها بر اساس نظامات بندگی در برابر خداست، چون مردم از نظر نظامات عبودیت در يك درجه نیستند و معنی ندارد که همه از يك در وارد شوند و در يك طبقه جای بگیرند و لذا بهشت هم دارای درجات مختلف و درهای متعدد است .

یکی از این درهای بالا بالای بهشت، در مجاهدین است (باب الجهاد) خدا این در را به روی اولیای خودش باز میکند .

آنگاه میفرماید: **وَهُوَ لِبَاسِ التَّقْوَى**

— اگر جامه تقوی شنیده اید، جامه تقوی این است .

روح تقوی به راستی و پاکی بر میگردد .

بالاترین درجه تقوی، تقوای مجاهدین است، تقوای مجاهدین ؛ تقوای پاک باختگی است .

یا هنگامیکه میخواهند بگویند: کسب و کار؛ برای اداره کردن زندگی **يك امر واجب و مقدس است ؛** برای اینکه مردم دست از بیکاری، و کل بر مردم بودن، بردارند، میگویند: **أَلَكَاذُ لِعِيَالِهِ كَأَلْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ .**

یعنی هر کس که خودش را به زحمت بیاندازد و بدنیال کسب و کار برود ، اما انگیزه اش از این کار، انباشتن و ذخیره کردن و تفاخر کردن نباشد ؛ بلکه انگیزه اش احساس مسئولیت در برابر عائله و افراد خانواده اش باشد؛ مانند مجاهد در راه خداست . پس؛ از نظر اسلام و در فرهنگ مسلمانان که با طرز تفکر اسلامی؛ فکر میکنند؛ کلمه شهید؛ يك کلمه بسیار نورانی و مقدسی است؛ که دیگر مفاهیم عالی اسلامی و انسانی را با آن می سنجد .

ریشه شهادت «جهاد» است

منطق اسلام درباره «جهاد» روشن است و آیات قرآن در این زمینه فوق العاده زیاد است ، ولی ما میخواهیم تنها فراز کوتاهی که در «**نهیج البلاغه**» پیرامون جهاد وارد شده است برای خوانندگان گرامی نقل کنیم :

علی (ع) در یکی از خطبه های خود میفرماید:

«أَنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ، فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ، وَهُوَ لِبَاسِ التَّقْوَى وَدِرْعُ اللَّهِ الْحَصِينَةُ، وَجَنَّتُهُ الْوَثِيقَةُ، فَمَنْ تَرَكَ رَغْبَةً عَنْهُ، أَلْبَسَهُ اللَّهُ لِبَاسَ الدَّلِّ» .

— جهاد، دری از درهای بهشت است دری است که خدا به روی هر کسی باز نمیکند؛ یعنی

پیامبر اکرم در يك حديث عجيب و پر معنا
میفرماید :

« مَنْ لَمْ يَغْزُ وَلَمْ يَحْدِثْ نَفْسَهُ بِالْغَزْوِ ،
مَاتَ عَلَى شُعْبَةٍ مِنَ الْبِنْفَاقِ »

یعنی : هر کس که جنگ نکرده باشد و لااقل
اندیشه جنگیدن و جهاد در راه خدا را، در مغز خود
نداشته باشد، چنین آدمی بانوعی نفاق ، میمیرد .
یعنی چنین آدمی نمیتواند يك مؤمن خالص باشد؛
اگر ته دلش را بشکافی، يك نوع نفاق در روح او
وجود دارد.

یعنی اسلام از جهاد و شهادت و آرزوی شهادت
جدا نیست ا .

کسانیکه باتربیت اسلامی، تربیت یافته بودند،
یکی از روحیاتشان « نشاط شهادت » بود ا .
همواره آرزو میکردند که خدا شهادت را روزی
آنها بکند ا .

در حالیکه آنها با دشمن میجنگیدند و صد درصد از
خودشان دفاع می کردند، از خدا میخواستند که
شهادت، روزی آنها بشود .
از پیامبر میخواستند که در حق آنها دعا کند ،
تا شهادت نصیب آنها گردد .

پدر و پسر با همدیگر مباحثه میکنند، پدر میگوید:
من میروم به جهاد، پسر میگوید: من میروم!
قوعه میکشند، به نام پسر دمی آید ، او می رود در
جنگ (بدر) شهید میشود .

پدر پسر به خدمت رسول اکرم (ص) می آید
و میگوید :

یا رسول الله: من پسر شده ام ولی آرزوی شهادت

مجاهدین آن پاك پاكها؛ و آن پاك باخته ها هستند،
که هر چه دارند ، در راه خدا داده اند ، و در طبق
اخلاص خدا نهاده اند .

و درع الله الحصينة

— زره خدا شنیده اید ؟ زره خدا مجاهده است .
روح مجاهده است .

اگر ملت مسلمان دارای چنین روحی باشد، روحشان،
روح مجاهده باشد، آنها زره الهی را بر تن دارند و زره
خدا را پوشیده اند .

و جنته الوثيقة: — جهاد سپر محکم خداست
سپری برای جلوگیری از تجاوز دشمن ، و صیانت
سرزمین های اسلامی، از هر نوع تجاوز .

* * *

من تر که رغبة عنه، البسه الله لباس الذل
— هر گاه ملتی از جهاد اعراض کنند، خدا هم جامه
ذلت را به تن آنها میپوشاند .

عزت اسلامی مقرون به جهاد است، اگر جهاد نبود
پشت سرش ذلت است و بس .

پیامبر اکرم (ص) فرمود: **الْخَيْرُ كَلَّةٌ فِي السَّيْفِ**
وَتَحْتَ ظِلِّ السَّيْفِ .

— اسلام دین قوت است ، دین قدرت است ؛
اسلام یگانه دینی است که پیروان خود را به کسب
قوت و ایجاد قدرت دعوت میکند، پیامبر اکرم (ص)
صریحاً میفرماید :

— تمام خیرها و تمام عزتها در زیر سایه شمشیر
است .

اگر از ملتی روح مجاهده و سربازی را بگیرند،
تمام خیرها و عزتها را از آنها گرفته اند .

واگر بدنهای ما، ساخته شده که آخر کار بمیرد، پس چرا در راه خدا، با شمشیرها قطعه قطعه نشود؟

* * *

منطق شهید

منطق شهید، منطقی است آمیخته بامنطق عشق. آنهم منطق عشق الهی از یکطرف، و منطق «اصلاح» و «مصلح» از طرف دیگر.

یعنی این دو منطق را اگر باهمدیگر ترکیب دهید، «منطق شهید» بوجود می آید، یکی منطق آدم مصلح دلسوخته برای اجتماع خودش، دیگری منطق یک عارف عاشق پروردگار خودش. که از ترکیب این دو منطق، منطق شهید درمی آید.

منطق شهید را بامنطق افراد معمولی نمیتوان مقایسه کرد. و باصطلاح، نمیشود منطق شهید را کوچک کرد، و در منطق افراد عادی گنجانید.

اینکه هاله ای از قدس، دور این کلمه (شهید) را گرفته است برای همین است.

اگر بگویم: قهرمان، مافوق قهرمان است. اگر بگویم: مصلح، مافوق مصلح است. هر چه بگویم: مافوق آنست.

هیچ کلمه ای، جای این کلمه را هرگز نمیگیرد. شهید؛ شهید.

خون شهید

شهادت؛ تزریق خون است.

تزریق خون به پیکر اجتماع است.

تزریق خون به پیکر اجتماعی است که به کم خونی مبتلا شده است.

دارم، در حق من دعا کنید... پیامبر دعا میکند... جنگ احد پیش می آید و این مرد شهید میشود! پیرمرد دیگری که تصادفاً لنگ هم بود، اطعمه می پوشد و عازم میدان میشود؛ فامیلها جمع میشوند و جلوگیری میکنند؛ شکایت پیش پیامبری آورد... پیامبر میفرماید: مانع نشوید؛ این مرد «نشاط شهادت» دارد؛ آرزوی شهادت دارد. درست است که جهاد از وی برداشته شده؛ برایش واجب نیست؛ ولی حرام هم که نیست.

خوشحال میشود؛ و خودش را به قلب لشکر میزند؛ سرانجام به آرزوی خود میرسد.

پیشوای مجاهدان علی (ع) میفرماید:
لَأَلْفُ ضَرْبَةٍ بِالسَّيْفِ، أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ مَيِّتَةٍ عَلَى فِرَاشٍ

— اگر هزار ضربت به فرق من فرود آید؛ که من به این وضع کشته بشوم؛ بهتر است که در بستر بقیتم و بانگ بیماری بمیرم.

تمام آرزوی این بود که خدا نکند که با اجل طبیعی از دنیا برود!

مردن که بالاخره حق است؛ پس چرا با آنهمه افتخار در راه خدا شهید نشوم.

سرور شهیدان امام حسین (ع)؛ در راه کربلا؛ اشعاری را میخواند که مضمون آن چنین است:

«اگر چه دنیا زیبا و دوست داشتی است، و آدم را بطرف خودش می کشد. اما جهان پاداش الهی، از دنیا خیلی زیبا تر است.

و اگر مال دنیا را آخر کار باید گذاشت و رفت، پس چرا در راه خدا انفاق نشود؟

بعد از آنها طبقه علماست.

از آنها که بگذریم؛ طبقه شهداست.

امیر مؤمنان (ع) میفرماید:

خداوند شهدا را در روز قیامت بساطت و جلالی وارد میکند؛ که اگر انبیاء از برابر آنها بگذرند؛ اگر سوار باشند به احترام آنها پیاده میشوند.

تربیت شهید

ما که میخواهیم نماز بخوانیم؛ برای اینکه روی فرش؛ سجده جایز نیست با خودمان خاکی بر میداریم که بر آن سجده کنیم، به ما گفته اند؛ حالا که میخواهید خاک یا سنگی بردارید؛ بهتر است از خاک تربت شهیدان باشد؛ و اگر میتوانید از خاک کربلا تهیه کنید؛ که آن بوی شهید میدهد.

تو خدا را عبادت میکنی؛ ولی سر به روی خاکی بگذار که تماس کوچکی با خون شهید داشته باشد؛ تا اجر و صواب تو صد برابر شود. یعنی ارزش شهید را درک کن؛ که خاک تربت او به نماز تو ارزش میدهد.

بویژه شهیدانی همچون شهیدان کربلا؛ شهیدان راه آزادی و حقیقت. (۱)

خون شهید هدرنمیرود؛ بلکه هر «ملکول» آن به «صدهاتین» خون تبدیل می گردد؛ و در پیکر اجتماع خود وارد میشود و آنرا از کم خونی رهائی می بخشد. این شهدا هستند که خون جدید در پیکر اجتماع و در رگه اجتماع وارد میکنند.

شهید حماسه آفرین است، در ملت‌هایی که روح حماسه مرده است؛ شهید حماسه می آفریند؛ آنهم حماسه الهی.

اینست که این حماسه‌ها؛ ملت مرده را از نوزنده میکند.

از اینجاست که اسلام همیشه نیازمند به شهید است؛ چون همیشه نیازمند به حماسه آفرینی است. آنهم حماسه‌های نوبه نو؛ و آفرینش‌های نوبه نو.

شهید از راه خون خود؛ خودش را در اجتماع جاوید میکند، و خون جاوید در اجتماع بوجود می‌آورد.

از اینجاست که شهداء در اسلام مقام بسیار والائی دارند.

در حدیث است که خداوند شفاعت سه طبقه را در روز قیامت قبول میکند: یکی طبقه انبیاست.

۱- این مقاله سخنرانی دانشمند معظم جناب آقای مطهری است که در شب عاشورای سال گذشته ایراد شده، و بوسیله جناب آقای علی اکبر مهدی پور از نوار استخراج و تلخیص گردیده است.